

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال نهم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۸۹

اشارات معادشناختی در گاهان*

دکتر اسفندیار طاهری

استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان

چکیده

اعتقاد به حیات پس از مرگ و رستاخیز از باورهای اساسی دین زردشتی است که هم بر همه‌ی جوانب اعتقادی زردشتیان تأثیر گذاشته است و هم تأثیر عمیقی بر ادیان همسایه‌ی خود، مانند یهودی و مسیحی و حتی دین مانوی، داشته است. باورهای معادشناختی دین زردشتی را که توصیف کاملی از آن در متون زردشتی به ویژه متون پهلوی آمده است، از دو جنبه‌ی کلی می‌توان بررسی کرد: ۱- سرنوشت روان شخص در گذشته پس از مرگ، چگونگی داوری روان‌ها، و جایگاه پرهیزگاران و گناهکاران پس از مرگ. ۲- ظهور نجات بخشان موعود و مجموعه رخدادهایی که به رستاخیز مردگان می‌انجامد و سرنوشت جهان هستی پس از نابودی اهریمن و بازسازی آن (فرشگرد). در این مقاله با بررسی گاهان که کهنترین سرودهای اوستایی و به احتمال زیاد سخنان خود زردشت هستند، به بررسی اشارات و مفاهیمی پرداخته ایم که به نوعی بر اعتقاد به حیات بعد از مرگ و رستاخیز دلالت می‌کنند.

واژگان کلیدی

گاهان، معاد شناختی، رستاخیز، بهشت، دوزخ

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۴/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۱۵

۱- مقدمه

باور به حیات پس از مرگ و رستاخیز از باورهای اساسی دین زردشتی است، به گونه‌ای که این باور هم بر همه‌ی جوانب اعتقادات زردشتیان تأثیر گذاشته است و هم تأثیر آن را بر ادیان دیگر از جمله دین یهودی و از طریق آن به دیگر ادیان سامی و نیز دین مانوی شاهد هستیم. در دین زردشتی مهمترین هدف زندگی کمک انسان به اهوره مزدا در نبرد وی با اهریمن است و پایان زندگی انسان نیز یک مرحله از دوره‌ی کامل حیات انسان است. رستاخیز و تن پسین نماد پیروزی اهوره مزدا بر اهریمن و بازآفرینی آفرینش جهانی به شکل آغازین آن است. باورهای معادشناختی دین زردشتی دو جنبه دارد: یکی سرنوشت روان شخص در گذشته پس از مرگ و پاداش یا کیفری که هر شخص پس از مرگ دریافت می‌کند، و دیگری ظهور نجات بخشان موعود، انجام رستاخیز و سرنوشت جهان در نبرد نهایی بین اهوره مزدا و اهریمن. پاداش و پادافره‌ی فردی به صورت روحانی است، در حالی که در رستاخیز جهانی پاداش و پادافره به صورت جسمانی و روحانی است. از این رو باورهای دین زردشتی را درباره‌ی حیات پس از مرگ و رستاخیز در راستای دو طرح کلی باید مطرح کرد: ۱- سرنوشت روان شخص در گذشته پس از مرگ، چگونگی داوری روان‌ها و جایگاه پرهیزگاران و گناهکاران پس از مرگ. ۲- رخدادهایی که منجر به رستاخیز، پایان جهان و پیروزی نهایی اهوره مزدا می‌شود و سرنوشت نهایی جهان پس از بازسازی آن.

گاهان کهنترین بخش از کتاب اوستا و سخنان خود زردشت است که به زبانی کهنتر از بقیه‌ی متون اوستایی سروده شده است. گاهان از پنج گاه (اوستایی -gāθā "سرود"، پهلوی gāh) تشکیل شده و در مجموع ۱۷ یسن یا هات (اوستایی -hāitī "بخش، فصل"، پهلوی hā) از ۷۲ هات یسن اوستا را شامل می‌شود. این پنج گاه یا سرود عبارتند از: ۱. ahunavaitī gāθā- (یسن ۲۸-۳۴) ۲. uštavaitī gāθā- (یسن ۴۳-۴۶) ۳. spəntāmanyu gāθā- (یسن ۴۷-۵۰) ۴. vahistōišti gāθā- (یسن ۵۳) (هومباخ ۲۰۰۰).

بسیاری از مترجمان و مفسران گاهان سرودهای گاهان را در درجه‌ی اول سرودهایی آیینی شبیه به سرودهای ودایی می‌دانند و هدف از سرودن آن‌ها را طلب سعادت و حمایت برای شخص و جهان هستی می‌دانند، از این رو، سعی می‌کنند از وجود و یا اهمیت مفاهیم معادشناختی و دیگر آموزه‌های اخلاقی در گاهان بکاهند. از جمله‌ی این پژوهشگران به‌ویژه ژان کلنز (۱۹۹۱-۱۹۸۸) است که گاهان را سرودهایی صرفاً آیینی می‌داند و اشارت آمده در گاهان را اصطلاحاتی آیینی برمی‌شمارد. هومباخ (۱۹۹۱: ۹۱) نیز گرچه به وجود برخی مفاهیم اخلاقی در گاهان اذعان می‌کند، اما او نیز در مجموع گاهان را سرودهایی آیینی می‌داند. برخی دیگر از پژوهشگران بر پایه‌ی آموزه‌هایی که در متون متأخر دین زردشتی به ویژه متون پهلوی آمده است، سعی کرده‌اند با درک و تفسیر خاص خود اشارات معادشناختی موجود در گاهان را با باورهای معادشناختی‌ای که بعداً گسترش یافته و در دین زردشتی نقش محوری یافته‌اند، مرتبط سازد. به ویژه اینسلر (۱۹۷۵) در ترجمه‌ی خود از گاهان سعی کرد بر مفاهیم اخلاقی و معنوی آموزه‌های زردشت که در ترجمه‌ی نخست هومباخ (۱۹۵۹) نادیده گرفته شده بود، تأکید بیشتری کند. گرچه این پژوهشگران به پیشرفت‌هایی در درک و تفسیر گاهان نایل آمده‌اند، اما گاهان هنوز آن قدر ناشناخته و مبهم است که نمی‌توان درباره‌ی معانی اشارات به کار رفته در آن به روشنی داوری کرد.

با این مقدمه در این مقاله سعی بر یافتن اشارات و مفاهیمی است که به نوعی بر اعتقاد به حیات پس از مرگ و رستاخیز دلالت می‌کنند. پیش از آن لازم است اشاره شود که بخشی از این برداشت‌ها مبتنی بر ترجمه و تفسیر شخصی مترجمان گاهان است و چه بسا با استفاده از ترجمه‌ای دیگر، برداشت دیگری داشته باشیم، از این رو با مبنا قرار دادن آخرین ترجمه‌ی هومباخ^(۱) از گاهان (هومباخ ۱۹۹۴) که جدیدترین و مطمئن‌ترین ترجمه‌ای است که تاکنون از گاهان انجام گرفته است، و با در نظر داشتن ترجمه‌های دیگران، سعی کرده‌ایم اشاراتی را که در این باره در گاهان آمده است، بررسی کنیم. همانطور که پیش از این گفته شد، این اشارات در دو جهت کلی

بررسی می شوند، یکی اشارات و مفاهیمی که به سرنوشت روان پس از مرگ اشاره می کنند و دیگری آن‌ها که به رستاخیز، پایان جهان و نوسازی جهان اشاره می کنند.

۲- سرنوشت روان در گذشتگان پس از مرگ

بر پایه‌ی مطالبی که در متون پهلوی و اوستای نو آمده است، پس از آن که شخصی در گذشت، روان او به مدت سه شب بر بالین وی می ماند، در بامداد روز چهارم دین (وجدان) شخص در گذشته به پیشواز وی می آید و روان را برای داوری به سوی پل چینود همراهی می کند. بر روی پل چینود داوری روان‌ها انجام می گیرد، پرهیزگاران به آسانی از پل می گذرند و رهسپار بهشت می شوند، اما گناهکاران (دروندان) از روی پل به دوزخ که در زیر پل قرار دارد، سرنگون می شوند و آن‌ها که اعمال نیک و بدشان برابر است، نیز به جایی میان بهشت و دوزخ به نام همیستگان می روند.^(۲)

در گاهان چندین بار به وجود پل چینود^(۳) (cinvantō pārətu-) اشاره شده است (یسن ۴۶-۱۰؛ ۴۶-۱۷؛ ۵۱-۱۳). پاداش پرهیزگاران آن است که در آن جهان به آسانی از پل چینود عبور می کنند و پرهیزگاران با استفاده از قدرت ناشی از اندیشه‌ی نیک می توانند از پل بگذرند. در یسن ۴۶-۱۰ چنین آمده است: "ای اهورمزدا! هر مرد یا زن آنچه را که تو بهترین چیز دانسته‌ای، به من خواهد بخشید، یعنی پاداش برای راستی را و قدرتی را که ناشی از اندیشه‌ی نیک است. ایشان را برای خشنود کردن چون تویی، بر خواهم انگیخت و با آن‌ها از پل چینود خواهم گذشت." از سوی دیگر، گناهکاران به خاطر آن که «با کردار و زبانشان از راستی دور شده بودند» (یسن ۵۱-۱۳)، نمی توانند از پل چینود بگذرند و برای همیشه به دوزخ یا خانه‌ی دروغ (یسن ۴۶-۱۱) سرنگون خواهند شد. در یسن ۵۱-۱۳ آمده است که روان بدکار بر سر پل چینود با وی روبرو خواهد شد و او را خواهد لرزاند. در یسن ۴۶-۱۱ نیز اشاره شده است که کوی‌ها و کرپن‌ها (دشمنان زردشت) با کارهای بد خود انسان‌ها را گرفتار می کنند، تا هستی آن‌ها را نابود سازند، ایشان هنگامی که

به پل چینود می‌رسند، با "بینش دینی" (daēnā-) و روانشان روبرو می‌شوند. بینش دینی و روانشان ایشان را می‌لرزاند و به ژرفای دوزخ روانه می‌کند. در چند یسن از گاهان به نقش آتش و سرئوش (sraoša-) در داوری روان‌ها اشاره شده است. در این یسن‌ها اشاره شده است که اهوره مزدا به کمک آتش روان‌ها را داوری می‌کند. در یسن ۴۳-۴ آمده است که اهوره مزدا به وسیله‌ی گرمای آتش خویش سزایی را که برای دروندان و پرهیزگاران تعیین کرده است، به ایشان می‌دهد: «تورا استوار و مقدس دریافته‌ام ای مزدا! آن هنگام که برتری اندیشه‌ی نیک از طریق درستی که تو با آن سزایی را که برای گناهکار و پرهیزگار تعیین کرده‌ای، به سوی من می‌آید؛ سزایی را که از طریق گرمای آتش که به راستی نیرومند است (به مردمان می‌دهی)». در یسن ۳۱-۱۹ نیز آمده است که اهوره مزدا به کمک آتش سرخ میزان یا عدالت (rāna-) را به روشی نیک تقسیم می‌کند. در یسن ۶-۴۷ نیز به نقش آتش در تقسیم پاداش اشاره شده است. در دو بند نیز به ارتباط سرئوش (sraoša-) با داوری و تقسیم پاداش اشاره شده است. هومباخ این واژه را "عنایت، توجه" معنی می‌کند، و از آن عنایت الهی نسبت به بندگان را استنباط می‌کند، هرچند عموماً "فرمانبرداری" معنی شده است. با این همه در یسن ۴۳-۱۲ آمده است که سرئوش پاداش‌ها را مطابق با عدالت (rāna-) تقسیم خواهد کرد: «ای مزدا! و در آن هنگام که به من گفתי با آینده‌نگری راستی را خواهی رسید، آنگاه به من فرمان‌هایی دادی که نباید ناشنیده داشته می‌شدند. باید عروج کنم، پیش از آن که عنایت تو (sraoša-) که در پی آن پاداش ثروت بخشنده است، به سوی من آید.» sraoša- از صفات منتسب به اهوره مزدا است و همانجایی است که اهوره مزدا جایگاه دارد: «در آرامجای آن بزرگترین عنایت تو را فرا می‌خوانم که دیرزیو است و نیروی اندیشه‌ی نیک را، و آن راه‌هایی را که با راستی درست است، آنجا که اهوره مزدا جایگاه دارد.» (یسن ۳۳-۵).

۳- پاداش پرهیزگاران و کیفر گناهکاران پس از مرگ

در گاهان اشاراتی وجود دارد که انسان‌ها علاوه بر پاداش اخروی، در این جهان نیز مورد لطف اهوره مزدا قرار می‌گیرند. از جمله در یسن ۴۹-۱۹ اهوره مزدا

به کسانی که برای وی کارهایی را که از دید زردشت درست و ارزشمند (haiθīm frašōtəməm) هستند، انجام دهند، در این جهان پاداش خواهد داد تا حیات متعالی را برای ایشان به ارمغان آورد: «آن که با راستی کارهای درستی را که برای زردشت درخشانترین هستند، انجام دهد، او سزاوار پاداشی است که به وی زندگی متعالی خواهد بخشید، دو گاو شیرده و همه‌ی چیزهای که در اندیشه بگنجد. با ایشان توای مزدا خود را بهترین فراهم کننده نمایان می کنی» (یسن ۴۶-۱۹). در یسن ۴۴-۸ نیز از اهوره مزدا پرسیده می شود که آیا سزاوار پاداش «ده میان، اسبی نر و یک شتر» هستم؟ و از طریق این پاداش‌ها خواهان دست یافتن به کمال و بی مرگی است. اما مردمان پاداش و کیفر اصلی خود را در آن جهان خواهند یافت. پرهیزگاران بهترین چیزها را پاداش می گیرند و در آنجا مهمان اهورمزدا هستند، اما گناهکاران به خاطر کردارهای بدشان شایسته‌ی کیفرهای مختلف از جمله تاریکی طولانی، خوراک بد و درد و رنج هستند. در یسن ۳۱-۲۰ درباره‌ی پاداش پرهیزگاران و کیفر دروندان چنین آمده است: «به جای شیون چیزهای درخشان و عالی (fərašō) برای کسی خواهد بود که به سوی پرهیزگار آید، اما تاریکی طولانی (darəgəm āyu təmanjō)، خوراک بد (duš.x^varəθəm) و کلام درد و رنج، چنین هستی ای شما را خواهد بود ای گناهکاران! به خاطر کردارهایتان و بینش دینی شما، که شما را به اینجا هدایت کرد». در یسن ۳۱-۲۲ نیز آمده است که پرهیزگاران به خاطر آن که از طریق نیروی اندیشه‌ی نیک، راستی را در گفتار و کردارشان نگهداشتند، گرامی‌ترین مهمانان اهورمزدا خواهند بود.

در مورد جایگاه پرهیزگاران و گناهکاران پس از مرگ در گاهان تعبیرهای مختلفی به کار رفته است. درباره‌ی جایگاه پرهیزگاران گاه به vahišta ahu "بهترین هستی" اشاره شده است، از جمله در یسن ۴۴-۲ درباره‌ی نخستین پایه از vahišta ahu پرسیده شده است. گاه خود واژه‌ی vahišta "بهترین" در معنی بهشت به کار رفته است و این واژه همان است که در پهلوی wahišt و در فارسی نو «بهشت» شده است. در یسن ۴۶-۱۸ زردشت می گوید که به کسی که نسبت به من یکدل است، به وسیله‌ی اندیشه‌ی نیک -wahišta را وعده می دهم، اما او را که

خواهان آسیب رساندن به ماست وعده‌ی عذاب می‌دهم. گاه اشاره می‌شود که روان‌های پرهیزگاران در خانه‌ی اهوره‌ مزدا جای خواهند یافت، در حالی که در برابر، گناهکاران در "خانه‌ی دروغ" (*drujō dāmāne*) خواهند بود: «در خانه‌ات نگهداشته داری ای مزدا! اندیشه‌ی نیک را، روان‌های پرهیزگاران را و نمازی را که با آن درست اندیشی همراه است و برکتی را که با تغذیه‌ی سالم نیرو بخشنده است» (یسن ۴۹-۱۱). اصطلاح دیگری که برای جایگاه پرهیزگاران به کار رفته است، *vanhəuš dāmāne manan̄hō* "خانه‌ی اندیشه‌ی نیک" است، که معمولاً آن را استعاره‌ای از بهشت دانسته‌اند. در یسن ۳۲-۱۵ آمده است که پرهیزگاران به وسیله‌ی کمال و بی‌مرگی در "خانه‌ی اندیشه‌ی نیک" نگهداری می‌شوند.

در یسن ۳۰-۴ نیز *vahištəm manan̄hō* "بهترین اندیشه" پاداش پرهیزگاران دانسته شده است، که از بین دو نیروی نیک و بد، اهوره‌ مزدا را برگزیده‌اند. اینسلا (۱۹۷۵: ۳۳) این اصطلاح را استعاره‌ای از بهشت می‌داند و معتقد است این ترکیب صورت کوتاه شده "خانه‌ی اندیشه‌ی نیک" است. مفهوم دیگری که برای بهشت به کار رفته است - *garō dāmāna* است. این واژه را که "خانه‌ی سرود" یا "خانه‌ی خوشامد گویی" معنی شده است، معمولاً استعاره‌ای از بهشت می‌دانند. در یسن ۵۱-۱۵ آمده است که در "خانه‌ی سرود" اهوره‌ مزدا نخستین کسی است که به سوی فدیه‌کنندگان (*magavant-*) خواهد آمد و با خود پاداشی را که زردشت به ایشان وعده داده بود، خواهد آورد. در یسن ۵۰-۴ نیز زردشت آرزومند است که در برابر مشتاقان در "خانه‌ی سرود" پذیرفته شود.

درباره‌ی جایگاه گناهکاران رایج‌ترین اصطلاحی که به کار می‌رود *drujō dāmāna* "خانه‌ی دروغ" است. در یسن ۴۶-۱۱ آمده است که کوی‌ها و کرپن‌ها (دشمنان زردشت) هنگامی که به پل چینود می‌رسند، روان و بینش دینی ایشان آن‌ها را خواهد لرزاند و برای همیشه در "خانه‌ی دروغ" خواهند بود. در یسن ۴۹-۱۱ می‌خوانیم که گناهکاران را روان‌هایشان با خوراک‌های بد به دیدار می‌آیند و آن‌ها مهمانان راستین "خانه‌ی دروغ" خواهند بود. در یسن ۵۱-۱۴ نیز اشاره شده است که کرپن‌ها به خاطر همراه نشدن با قوانین چراگاه و به خاطر آن که با گفتار و

کردارشان با گاو و مرد پرهیزگار دشمنی کردند، گفتارشان سرانجام ایشان را در "خانه‌ی دروغ" جای خواهد داد. اصطلاح دیگری که برای جایگاه نهایی گناهکاران به کار رفته است، *aṅhu acišta-* "بدترین هستی" است. این اصطلاح که در یسن ۳۰-۴ آمده و هستی نهایی گناهکار دانسته شده است، معمولاً در برابر ترکیب *aṅhu vahišta-* "بهترین هستی" قرار می‌گیرد و از نظر معنی شبیه واژه‌ی *duṣ.aṅhu-* "هستی بد" است که در اوستای نو آمده و سپس، به صورت *dušox* "دوزخ" به واژه‌ی اصلی برای اطلاق بر جایگاه نهایی گناهکاران در متون پهلوی تبدیل شده است و به صورت "دوزخ" به فارسی نو رسیده است.

در یسن ۳۳-۱ واژه‌ی آمده است که برخی آن را معادل *hamēstagān* در متون پهلوی دانسته‌اند. *hamēstagān* در متون پهلوی جایگاه کسانی دانسته شده است که اعمال نیک و بدشان برابر است (ژینیو ۲۰۰۳). در یسن ۳۳-۱ واژه‌ی *həmyāsaite* آمده که فعل مضارع سوم شخص مفرد است و هومباخ (۱۹۹۴: ۴۵) آن را "با هم حساب می‌شود" ترجمه کرده است. اما کلینگشمیت (به نقل از ژینیو: ۲۰۰۳) این فعل را معادل واژه‌ی *hamēstagān* در متون پهلوی می‌داند و بر این باور است ترکیب *miθvam gātu-* که در اوستای نو آمده و بارتولومه و به پیروی از وی دیگران آن را "جایگاه آمیزش" معنی کرده و برابر *hamēstagān* متون پهلوی دانسته‌اند، با این واژه ارتباطی ندارد. کلینگشمیت و سپس اینسلر (۱۹۷۵: ۲۱۱) و کلنز (۱۹۹۰: ۲۹۱) این فعل را از ریشه‌ی *yam* "گرفتن" و پیشوند فعلی *ham* می‌گیرد و آن را "برابر است" معنی می‌کند. هومباخ یسن ۳۳-۱ را چنین ترجمه می‌کند: «...پس درست‌ترین کردارها که بنا بر قوانین نخستین هستی هستند، باید داوری شوند، هم برای گناهکار، هم برای پرهیزگار، نیز برای آن که کردارهای بد و نیک او با هم حساب می‌شود». کلینگشمیت و اینسلر آخر این بند را چنین ترجمه می‌کنند: «...هم برای آن که کردارهای بد و نیک او با هم برابر است».

۴- رستاخیز و پایان جهان

بر پایه‌ی باورهای زردشتیان که در متون پهلوی آمده است، معاد جهانی با ظهور نجات‌بخشان آینده (اوشیدر، اوشیدرماه و سوشیانت) آغاز می‌شود و آن‌ها هر

کدام بر سر هزاره‌ی خود ظهور می‌کنند و واپسین آن‌ها به کمک جاودانگانی که دوباره زنده می‌شوند، رستاخیز انجام می‌دهند. روان‌ها دوباره به تن‌ها می‌پیوندند، پرهیزگاران به بهشت و گناهکاران به دوزخ می‌روند و هر گروه به مدت سه شبانه روز به صورت جسمانی و روحانی پاداش و کیفر خود را خواهند گرفت. آنگاه رودی از فلز گداخته سطح زمین را فرا خواهد گرفت و همه‌ی مردمان با گذشتن از آن برای همیشه پاک می‌شوند. آنگاه همه‌ی مردمان از انوش بی‌مرگی می‌نوشند و جاودانه بی‌مرگ می‌شوند. سرانجام، همه‌ی ایزدان هم‌اورد دیوی خود را نابود می‌کنند و اهریمن نیز برای همیشه از جهان آفرینش بیرون رانده می‌شود و آن راهی که اهریمن از آنجا به آفرینش اهوره‌مزدا حمله کرده بود، برای همیشه بسته خواهد شد. مجموعه‌ی این رخدادها در متون پهلوی *frašegird* یا *kirdārīh* *frašegird* نامیده شده‌اند (ر.ک. یادداشت ۱).

نام هیچ یک از نجات‌بخشان آینده در گاهان نیامده است. اما واژه‌ی *saošyant-* چندین بار در گاهان آمده است (یسن ۳۴-۱۳، ۴۵-۱۱، ۴۶-۳، ۴۸-۹ و ۵۳-۲) که سه بار آن (۴۵-۱۱، ۴۸-۹، ۵۳-۲) به صورت مفرد آمده است. در این باره که *saošyant-* که آن را "نجات‌بخش" یا "سودبخش" معنی کرده‌اند، به چه کس یا کسانی اشاره می‌کند، مشخص نیست. با توجه به اینکه این واژه چند بار به صورت مفرد آمده است، برخی پژوهشگران بر این باورند که این واژه به خود زردشت اشاره می‌کند (بویس، ۱۳۷۴: ۳۲۶). اینسلا (۱۹۷۵: ۲۲۷) معتقد است مفهوم *saošyant-* را باید در وظیفه‌ی آن‌ها در حاکم کردن اندیشه‌ی نیک و راستی در این جهان جستجو کرد. از مجموع اشاراتی که در گاهان به *saošyant-* شده نمی‌توان استنباط کرد که این واژه مشخصاً به آمدن نجات‌بخش آینده اشاره می‌کند، بلکه به نظر می‌رسد صفتی عمومی است که به کسانی اطلاق شده است که با کارهای نیک و پیروی از اندیشه‌ی نیک به ترویج آموزه‌های زردشت کمک می‌کنند. چنانکه در یسن ۴۸-۱۲ اشاره شده است که کسانی "سودبخشان" (*saošyant-*) سرزمین‌ها خواهند بود که با اندیشه‌ی نیک به شناخت اهوره‌مزدا خواهند پیوست و آن‌ها دورکنندگان خشم هستند. در چند مورد نیز به بینش دینی

saošyant-ها اشاره شده است (یسن ۳۴-۱۳، ۴۵-۱۱، ۵۳-۲). در یسن ۳۴-۱۱ بینش دینی -saošyant-ها راهی دانسته شده که نیکوکاران را به سوی پاداشی که اهوره مزدا وعده داده است، رهنمون می کند. در یسن ۵۳-۲ نیز بینش دینی -saošyant-ها همان راه راست ستایش اهوره مزدا دانسته شده است. شاید از یسن ۳-۴۶ بتوان استنباط کرد که منظور از -saošyant- همان نجات بخشان آینده است. این یسن چنین می گوید: «چه هنگام ای مزدا گاوهای روزها و خردهای سودبخشان در جهان برخواهند آمد با سخنان بسیار (برای مردم) تا راستی را به دست آورند؟ به سوی کدامین مردمان کسی با اندیشه‌ی نیک خواهد آمد تا به ایشان خوراک دهد؟ تو را برمی گزینیم ای اهوره! برای گفتن آن به من». هومباخ (۱۹۹۴: ۱۶) معتقد است گاوهای روزها استعاره از نخستین پرتوهای طلوع سرخرنگ هستند که به گلای گاو تشبیه شده اند و "خردهای سودبخشان" در برابر گاوهای روزها قرار گرفته اند و معنی غروب و پایان روز می دهند و اشاره می کنند به کسانی که در فرایند فرشگرد یا "درخشان سازی" یعنی نوسازی جهان نقش دارد. با این همه به قطع نمی توان گفت که آیا -saošyant-ها در گاهان به نجات بخشان آینده اشاره دارد یا نه.

مفهوم معادشناختی دیگری که در گاهان به آن اشاره شده است، روز پسین یا روز حساب است. واژه‌ی -hən kərəti- در یسن ۳۱-۱۴ به معنی "با هم جمع کردن، حساب کردن" است، و مترجمان گاهان همگی آن را "روز پسین" یا "روز حساب" معنی کرده اند. ترجمه‌ی این یسن چنین است: «از تو می پرسم ای مزدا! درباره‌ی چیزهایی که پیش می آیند و آن‌ها که پیش خواهند آمد. درباره‌ی نیرو بخشی هدیه ای که از سوی پرهیزگاران و گناهکاران (به مردمان) داده می شود. ای مزدا چگونه خواهد بود، هنگامی که روز پسین فرا رسد»؟

فرشگرد که اصطلاحی معادشناختی است و به نوسازی عالم و بازآرایی آفرینش پس از نابودی اهریمن اشاره دارد، در اوستای نو به صورت اسم مرکب -frašō.kərəti- و در متون پهلوی به صورت -frašegird- آمده است. در گاهان به صورت ترکیبی از صفت -fəraša- و فعلی از ریشه‌ی -kar√ "کردن" آمده است. معنی صفت -fəraša- دقیقاً روشن نیست، هومباخ (۱۹۹۱ جلد ۲: ۵۴) آن را

"درخشان"، کلنز (۱۹۹۰: ۲۷۰) "پربار، پرتوان" و اینسلر (۱۹۷۵: ۱۷۲) "سالم،
 نوسازی شده" معنی کرده‌اند. این واژه در کتیبه‌های فارسی باستان نیز آمده است و
 کنت (۱۹۵۳: ۱۹۸) آن را "عالی و بسیار خوب" ترجمه می‌کند. در یسن ۳۰-۹ این
 صفت همراه با فعلی از $\sqrt{\text{kar}}$ آمده است fərašəm kərənaon "درخشان می‌کنند".
 در این یسن زردشت آرزومند است از جمله‌ی کسانی باشد که هستی را درخشان
 می‌کنند (یا فرشگرد می‌کنند؟). در یسن ۳۴-۱۵ به صورت fərašəm...ahūm
 "هستی درخشان" آمده است: «پس به من بگو بهترین گفتارها و کردارها کدام
 هستند؟ این‌ها را با اندیشه‌ی نیک به من بگو و با راستی که نیرو دهنده است. در پی
 ستایش (ما) ای اهوره مزدا! با قدرت محقق ساز آن هستی درخشان را». این صفت
 در یسن ۴۶-۱۹ و ۵۰-۱۱ نیز به صورت صفت عالی fərašōtəməm
 "درخشانترین" آمده است. در یسن ۴۶-۱۹ اهوره مزدا می‌گوید که کسی که با
 راستی آنچه را که درخشانترین است، محقق سازد، سزاوار پاداش است. در یسن ۵۰-
 ۱۱ زردشت از اهوره مزدا درخواست می‌کند که عملی شدن آنچه را درخشانترین
 است، حمایت کند. نکته‌ی جالب توجه در مورد این واژه آن است که افزون
 بر یسن ۳۰-۹ تنها در سه یسن آخر از سه گاه اول (یعنی یسن ۳۴-۱۵، ۴۶-۱۹ و ۵۰-
 ۱۱) آمده است. و این خود شاید تأیید کننده‌ی اطلاق این واژه بر نوسازی در پایان
 جهان باشد (نک. هومباخ ۲۰۰۰). البته کلنز (۱۹۸۸: ۱۳). بر پایه‌ی این مثال و نمونه‌های
 دیگر نتیجه می‌گیرد که این سه یسن عمدی و آگاهانه در آخر این سه گاه آمده‌اند.
 از مفاهیم دیگر مرتبط با فرشگرد، جاری شدن فلز گداخته در پایان حیات
 جهان است که از گداختن فلز موجود در کوه‌ها و دره‌ها جاری می‌شود و همه‌ی
 مردمان با گذشتن از آن برای همیشه پاک می‌شوند (بندهش فصل ۱۹، نک. بهار
 ۱۳۶۹: ۱۴۷). اصطلاحی که در این مورد در گاهان به کار رفته است، یکی
 ayaṅha xšusta "فلز گداخته" است که در اوستای نو ayaoxšusta و در
 پهلوی ayōxšust شده است. اصطلاح دیگر $\text{x}^{\text{v}}\text{aēna ayah}$ "فلز گداخته" است.
 در یسن ۳۲-۷ آمده است که طرفداران خشم به خاطر گناهی که انجام داده‌اند، با
 "فلز گداخته" ($\text{x}^{\text{v}}\text{aēna ayah}$) بازخواست می‌شوند. در یسن ۵۲-۹ نیز اهوره مزدا

به وسیله‌ی "آتش فروزان" (suxrā aθrā) و "فلز گداخته" (ayanḡha xšustā) و بر اساس میزان، گناهکاران را عذاب داده و پرهیزگاران را پاداش می‌دهد.

۵- نتیجه‌گیری

در مجموع با توجه به اشاراتی که درباره‌ی حیات پس از مرگ و نوسازی جهان در گاهان آمده است، می‌توان نتیجه گرفت که گرچه گاهان تصویر روشن و کاملی از حیات پس از مرگ ارائه نمی‌کند، اما وجود این اشارات خود نشان می‌دهد که سراینندگان گاهان به حیات پس از مرگ، امور اخلاقی، و فضیلت اعمال، پاداش نیکوکاران و کیفر بدکاران اعتقاد داشتند و افزون بر این، امید داشتند که سرانجام روزی این جهان از وجود شر تهی می‌شود و همه در هستی نیک و بدون بدی به دیدار اهوره مزدا نایل می‌شوند. با این همه روشن است که بیشتر این اشارات با بیانی نمادین و ادبی و استفاده از زبان استعاره بیان شده‌اند، در حالی که آنچه در اوستای نو و متون پهلوی در این باره آمده است، تصویری روشن‌تر و ملموس‌تر از این باورهاست. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که اوستای کنونی تنها یک چهارم از اوستای دوران ساسانی است و چه بسا مطالب بسیاری درباره‌ی باورهای معادشناختی در اوستای اصلی وجود داشته که امروزه به دست ما نرسیده است.

یادداشت‌ها

۱. هلموت هومباخ تاکنون سه ترجمه از گاهان انجام داده است. نخستین آن در سال ۱۹۵۹ انجام گرفت. در این ترجمه هومباخ ضمن انجام تصحیح‌هایی بر متن ویراسته‌ی گلدنر و بارتولومه، با تکیه بر داده‌های تطبیقی از متون ودایی ترجمه‌ای سنگین و دیرفهم از گاهان به آلمانی ارائه داد. وی در سال ۱۹۹۱ با همکاری شرورو و الفنباین ویرایش کاملاً بازبینی شده‌ای از ترجمه‌ی قبلی خود انجام داد، که تا اندازه‌ای متفاوت با ترجمه‌ی سال ۱۹۵۹ بود و در بسیاری از موارد بیان ترجمه‌ها روشن‌تر، دریافتنی‌تر و ساده‌تر شده بود. هومباخ سرانجام در سال ۱۹۹۴ با همکاری پالان ایکاپوریا ترجمه‌ای ساده و روان از گاهان ارائه کرد که در واقع جدیدترین

ترجمه‌ای است که از گاهان انجام گرفته است (برای پیشینه و ارزیابی ترجمه‌هایی که تاکنون از گاهان انجام گرفته است، نک. مالاندرا ۲۰۰۰).

۲. باورهای مربوط به رستاخیز و حیات پس از مرگ را در متون پهلوی زیر می‌توان یافت: بندهش، فصل ۱۵ و ۱۹؛ مینوی خرد فصل ۱، ۶، ۱۱؛ روایت پهلوی فصل ۲۳ تا ۲۵، ۴۸، ۵۰ و ۶۵؛ گزیده‌های زادسپرم فصل ۳۴ و ۳۵؛ زند بهمن یسن فصل ۹-۴؛ دادستان دینیک فصل ۱۹-۲۶؛ دینکرد کتاب هفتم، ارداویراف نامه. در اوستای نو نیز در فرگرد دوم و سوم هادخت نسک (ر.ک. میرفخرایی ۱۳۷۱) و فرگرد ۱۹ و نبدیداد مطالبی درباره‌ی سرنوشت روان پس از مرگ آمده است. در زامیاد یشت (ر.ک. هیتسه ۱۹۹۴) درباره‌ی رستاخیز و بازسازی جهان مطالبی آمده است.

۳. پل چینود (پهلوی *čīnwad puhl*) پلی است که بر پایه‌ی باورهای معاد شناختی زردشتیان، روان در گذشتگان پس از مرگ باید از روی آن بگذرند و داوری شوند. این پل بر روی قله‌ی کوه البرز به نام *čagād ī dāitī* قرار دارد و یک سر آن در جنوب به بهشت و سر دیگرش در شمال به دوزخ می‌رسد (بندهش، فصل ۱۵؛ ر.ک. بهار، ۱۳۶۹: ۱۲۹).

۴. "بینش دینی" (اوستایی *daēnā*، پهلوی *dēn*، فارسی نو "دین")، در گاهان *daēnā* به معنی "بینش، دریافت" است. هومباخ آن را "بینش دینی" و اینسلر (۱۹۷۵: ۱۹۲) "بینش، دریافت"، اما کلنز (۱۹۹۰: ۲۵۲) آن را "وجدان" معنی می‌کند. این واژه در اوستای نو و سپس متون پهلوی معنایی دوگانه یافته است، از یک سو به معنی "وجدان" است و از سوی دیگر معنای "دین" یافته است.

5. G. klingenschmitt

کتابنامه

۱. بهار، مهرداد. (۱۳۶۹)، بندهش، تهران، انتشارات توس.
۲. بهار، مهرداد. (۱۳۷۶)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، انتشارات آگاه.
۳. بویس، مری. (۱۳۷۶)، تاریخ کیش زردشت، ترجمه‌ی همایون صنعتی زاده، تهران انتشارات توس.
۴. تفضلی، احمد. (۱۳۷۹)، مینوی خرد، تهران، انتشارات توس.

۵. راشد محصل، محمد تقی. (۱۳۶۶)، *گزیده های زادسپرم*، تهران، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۶. راشد محصل، محمد تقی، (۱۳۷۰)، *زند بهمن یسن*، تهران، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۷. ژینو، فیلیپ. (۱۳۷۲)، *ارداویرافنامه*، ترجمه‌ی ژاله آموزگار، تهران، انتشارات معین.
۸. مکنزی، د.ن. (۱۳۷۳)، *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه‌ی مهشید میرفخرایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۹. میرفخرایی، مهشید. (۱۳۷۱)، *پرسی هادخت نسک*، تهران، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۰. میرفخرایی، مهشید، (۱۳۶۷)، *روایت پهلوی*، تهران، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

11. Gignoux, Ph.(2003), "Hamēstagān" in *Encyclopædia Iranica*, vol. XI, New York. pp. 637-638.
12. Hintze, A. (1994), *Zamyād Yasht*, Wiesbaden.
13. Humbach, H. (2000), "Gatha" in *Encyclopædia Iranica*, vol. XI. New York, pp. 321-327.
14. Humbach, H. and P. Ichaporia (1994), *The heritage of Zathushtra*, Heidelberg.
15. Humbach, H. (1991), *The Gāthās of Zarathushtra*, with collaboration of P. O. Skjærvø and J. Elfenbein, 2 vol., Heidelberg.
16. Humbach, H. (1959), *Die Gathas des Zarathushtra*, 2 vol., Heidelberg.
17. Insler, S. (1975), *The Gatha of Zathushtra*, Acta Iranica 8, Teheran-Liège
18. Kellens, J. and E. Pirart (1988-1991), *Les Texte Vieil-Avestique*, Wiesbaden,(vol.1, 1988; vol. 2, 1990; vol. 3, 1991).
19. Malandra, W. (2000), "Gatha, II. Translations", in *Encyclopædia Iranica*, vol. XI. New York, pp. 327-330.
20. Shaked, Sh. (1998), "Eschathology in Zoroastrianism" in *Encyclopædia Iranica*, vol. IIX, New York, pp. 565-569.